



حکایت

HEKAYAT

1992 ۱۳۷۱

- | | | |
|----|-------|----------------|
| ۱ | | حکایت |
| ۲ | | پرنده های قفسی |
| ۳ | | از عشق تو |
| ۴ | | هر دوی ما |
| ۵ | | شکایت |
| ۶ | | بچه ها |
| ۷ | | اونروزها |
| ۸ | | دریای طوفانی |
| ۹ | | گم کرده |
| ۱۰ | | چوپان |

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

حکایت

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

با تو حکایتی دگر، این دلِ ما به سر کند
شبِ سیاهِ قصه را، هوای تو سحر کند
باورِ ما نمی شود، در سرِ ما نمی رود
از گذرِ سینه ی ما یارِ دگر گذر کند
شکوه بسی شنیده ام، از دلِ درد کشیده ام
کور شوم جز تو اگر زمزمه ای دگر کند
چاره ی کارِ ما تویی، یاور و یارِ ما تویی
توبه نمی کند اثر، مرگ مگر اثر کند
مجرمِ آزاده منم، تن به جزا داده منم
قاضی درگاه تویی، حکمِ سحرگاه تویی
با تو حکایتی دگر، این دلِ ما به سر کند
شبِ سیاهِ قصه را، هوای تو سحر کند
باورِ ما نمی شود، در سرِ ما نمی رود
از گذرِ سینه ی ما یارِ دگر گذر کند
شکوه بسی شنیده ام، از دلِ درد کشیده ام
کور شوم جز تو اگر زمزمه ای دگر کند
مقصد و مقصودم تویی، عشقم و معبودم تویی
از تو حذر نمی کنم، سایه مگر سفر کند
چاره ی کارِ ما تویی، یاور و یارِ ما تویی
توبه نمی کند اثر، مرگ مگر اثر کند

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

پرنده های قفسی

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

پرنده های قفسی، عادت دارن به بی کسی
عمرشونو بی هم نفس، کز می کنن کُنجِ قفس
نمی دونن سفر چیه، عاشقِ در به در کیه
هر کی بریزه شادونه، فکر می کنن خدائشونه
یه عمره بی حیین، با آسمون غریبن
این همه نعمت اما همیشه بی نصیبن
تو آسمون ندیدن خورشید چه نوری داره
چشمه ی کوه مشرق چه راه دوری داره
چه می دونن به چی میگن ستاره
چه می دونن دنیا کیا بهاره
چه می دونن عاشق میشه چه آسون، پرنده زیر بارون
تو آسمون ندیدن خورشید چه نوری داره
چشمه ی کوه مشرق چه راه دوری داره
قفس به این بزرگی کاشکی پرنده بودم
مهم نبود پریدن ولی برنده بودم
فرقی نداره وقتی ندونی و نبینی
غصت می گیره وقتی می دونی و می بینی

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

از عشقِ تو

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

اگه از عشقِ همیشه قصه نوشت
میشه از عشقِ تو گفت
میشه با ستاره های چشمِ تو
مغربِ نو، مشرقِ نو برپا کرد
میشه از برقِ نگات
خورشیدِ خاکستر کرد
میشه از گندمیای سرِ زلفت
یه عالم شعر نوشت
آره، از عشقِ تو دیوونگی هم عالمیه
آره از عشقِ تو مُردن داره
میشه از عشقِ تو مُرد و
دیگه از دستِ همه راحت شد
میشه از عشقِ تو مُرد و
دیگه از دستِ تو هم راحت شد
آره از عشقِ تو دیوونگی هم عالمیه
اگه از عشقِ همیشه قصه نوشت
میشه از عشقِ تو گفت...

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

هر دوی ما

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

گر حالِ تو همچون منِ آشفته خراب است
گر خواهشِ دل های من و تو بی حساب است
ای وای به حالِ هر دوی ما
ای وای به حالِ هر دوی ما...

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

شکایت

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

سکوتم از رضایت نیست
دل‌م اهل شکایت نیست
هزار شاکی خودش داره
خودش گیره، گرفتاره
همون بهتر که ساکت باشه این دل
جدا از این ضوابط باشه این دل
از این بدتر نشه رسوایی ما
که تنهاتر نشه تنهایی ما
کسی جرمی نکرده گر به ما
این روزها عشقی نمی ورزه
بهایی داشت این دل پیشترها
که در این روزا نمی ارزه
که کار ما گذشته از شکایت
هنوزم پایبندیم در رفاقت
می ریزه تو خودش دل غصه هاشو
آخه هیچ کس نمی خواد قصه هاشو

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

بچه ها

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

و چه این جمله به فکر همگی افتاده
بچه ها را چه کنیم؟
بچه ها می خواهند
بچه ها می رقصند
بچه ها می خوانند
این طریقیست که در خاطرشان می ماند
ای فالانی، دو سه خطی بنویس
ساده تر، رنگی تر
در پی قافیه و واژه نباش
سوژه ی امروزی، بگذر از دل سوزی
لله هایی همه دلسوزتر از مادرشان
بی خیال از غم فردایی و از عاقبت و آخرشان
من هنوز معتقدم
من هنوز معتقدم می شود عشق به آنها آموخت
می شود در به در واژه ی بازار نبود
می توان تقدیم کرد
و پیشیزی به پیشیزی نفروخت
می توان عشق به آن ها آموخت

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

اون روزا

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

اون روزا ما دلی داشتیم
واسه بردن جونی داشتیم
واسه مُردن کسی بودیم
کاری داشتیم
پاییز و بهاری داشتیم
تو سرا ما سری داشتیم
عشقی و دلبری داشتیم

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

دریای طوفانی

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

کسی آمد که حرفِ عشقو با ما زد
دلِ ترسوی ما هم دل به دریا زد
به یک دریایِ طوفانی
دلِ ما رفته مهمانی
چه دوره ساحلش
از دور پیدا نیست
یک عمری راهه و در قدرتِ ما نیست
باید پارو نزد، وا داد
باید دل رو به دریا داد
خودش می بردت هر جا دلش خواست
به هر جا برد بدون ساحل همونجاست
به امیدی که ساحل داره این دریا
به امیدی که آروم میشه تا فردا
به امیدی که این دریا فقط شاه ماهی داره
به عشقی که نمی بینی شباشو بی ستاره
دلِ ما رفته مهمانی
به یک دریایِ طوفانی
باید پارو نزد، وا داد
باید دل رو به دریا داد
خودش می بردت هر جا دلش خواست
به هر جا برد بدون ساحل همونجاست

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

گم کرده

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

وای بر من، گر تو آن گم کرده ام باشی
که بس دور است بین ما
که این سو، پیرمردی با سپیدی های مو
و هزاران بار مُردن، رنج بردن
با خمی در قامت از این راه دشوار
که این سو، دستها خشکیده
دل مُرده
به ظاهر خنده ای بر لب
و گاهی حرفهای پیچ در پیچ
و هم هیچ
و گه گاهی، دو خط شعری
که گویای همه چیز است و خود ناچیز
وای بر من، گر تو آن گم کرده ام باشی
که بس دور است بین ما
که آن سو، نازنینی، غنچه ای شاداب و
صدها آرزو بر دل
دلی گهواره ی عشقی
که چندی بیش نیست شاید
و از بازیچه بودن سخت بیزار است
وای بر من، گر تو آن گم کرده ام باشی
که بس دور است بین ما
و عاشق گشتن و عاشق نمودن
سخت دشوار است

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com

چوپان

آلبوم: حکایت

آهنگساز: سیاوش قمیشی

ترانه سرا: مسعود فردمنش

تنظیم کننده: آندرانیک

هراسهای بیهوده
تا بوده همین بوده
فرزندهای مشروع
شرع، قانون
و تباهی، بوچی، بیهودگی
و عمر می رسد
به سی، پنجاه، هفتاد
و حاصل چند فرزند
و چندین نواده
و این است ضمانت زندگی
گوسفندان آبادی بالا
چه فرق دارد، آبادی پایین
چوپان ها سر مست، مغرور
سر شیر هست، پنیر هست
و ماست های ترشیده
و گه گاهی گرگهای دریده
و در هر جشنی و در هر عزایی
سری بریده
من رفتم، می روم جایز نیست، من رفتم
من رفتم و حدیث گفتم
چوپان به از گوسفند
آزادی به از بند
چه با لبخند، چه بی لبخند
آزادی به از بند

Facebook.com/SiavashGhomayshi

SIAVASH GHOMAYSHI

WWW.SIAVASHGHOMAYSHI.ORG

TeamGhomayshi.com